

## نقش مشارکت اجتماعی شهروندان بر رویکرد جامعه محوری پلیس و تعدیل گری امنیت اجتماعی

فاطمه اسلامیه<sup>۱</sup>، امیرحسین محمدداودی<sup>۲</sup>

از صفحه ۱۸۹ تا ۲۱۶

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۸/۲۴

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۱/۱۸

### چکیده

این پژوهش به منظور بررسی نقش مشارکت اجتماعی شهروندان بر رویکرد جامعه محوری پلیس و تعدیل گری امنیت اجتماعی انجام شده است. برای این منظور دو فرضیه مطرح شده است مبنی بر اینکه ۱- جامعه محوری پلیس بر مشارکت اجتماعی ذهنی شهروندان تاثیر معناداری دارد و امنیت اجتماعی این تاثیر را تعدیل می کند. ۲- جامعه محوری پلیس بر مشارکت اجتماعی عینی و رفتاری شهروندان تاثیر معناداری دارد و امنیت اجتماعی این تاثیر را تعدیل می کند. هدف پژوهش، کاربردی و روش آن به لحاظ چگونگی جمع آوری و ماهیت داده ها، توصیفی (همبستگی) بوده است. جامعه آماری پژوهش را کلیه دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد آشتیان در سال تحصیلی ۹۴-۹۵ به عنوان جزی از شهروندان جامعه و افرادی که سال های زیادی را تحت آموزش نظام رسمی قرار گرفته اند و انتظار می رود تا به عنوان الگویی برای عامه شهروندان جامعه در جهت مشارکت در امور مختلف شهری و کشوری جهت رسیدن به توسعه پایدار باشند انتخاب شده اند که حجم نمونه بر مبنای فرمول «کوکران» ۲۵۴ نفر تعیین و نمونه ها با استفاده از روش نمونه گیری طبقه ای بر اساس جنسیت دانشجویان انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده ها، سه پرسشنامه محقق ساخته که بر اساس مبانی نظری و مطالعات انجام شده در مقیاس پنج درجه ای لیکرت طراحی شدند، بوده است. اعتبار و اعتماد هر یک از پرسشنامه ها از طریق روایی همگرا و واگرا، آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی به تایید رسیده است. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از معادلات ساختاری مبتنی بر رویکرد حداقل مربعات جزئی به کمک نرم افزار Smart-PLS انجام شد. نتایج به دست آمده نشان داد که جامعه محوری پلیس بر مشارکت اجتماعی شهروندان در دو بُعد ذهنی و عینی و رفتاری تاثیر مثبت دارد و این تاثیر، با در نظر گرفتن نقش تعدیل گر امنیت اجتماعی بیشتر می باشد.

**کلید واژه ها:** پلیس جامعه محور، مشارکت اجتماعی، امنیت اجتماعی، شهروندان.

۱. باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران. نویسنده مسئول. feslamieh@hotmail.com

۲. دانشیار گروه مدیریت آموزشی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه، ساوه، ایران. adavoudi838@yahoo.com

## مقدمه

## Archive of SID

امروزه برای همگان واضح و مبرهن گشته است که توسعه هر جامعه‌ای در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی نیاز به سهامداران آن جامعه که به نام «شهروندان» مطرح هستند، دارد (عسکریان، ۱۳۸۵). به همین دلیل است که مشارکت به عنوان یک مفهوم پایه‌ای، یکی از مهمترین ارکان یک نظام مردم‌سالارانه و دموکراتیک محسوب می‌گردد. تاکید بر مشارکت، که نقطه وفاق اکثر دیدگاه‌های تعدیل یافته امروزی است، بیان می‌دارد که برای توسعه، به مشارکت مردمی نیاز مبرم و شدیدی وجود دارد که اگر مورد غفلت قرار گیرد، حرکت جوامع حرکتی غیرموثر، ناکارآمد و درجا خواهد بود و هزینه‌زایی بالایی را برای تحولات آتی در بر خواهد داشت (شریفی و اسلامیه، ۱۳۹۰). مشارکت اجتماعی به طور اخص به مفهوم شرکت آگاهانه، خودانگیخته، ارادی و قصدمند افراد و گروه‌ها در امور اجتماعی جامعه و به منظور سهیم شدن در کارها، تسریع و تسهیل انجام امور جامعه و کمک به اهداف توسعه اجتماعی است (محسنی تیریزی، ۱۳۸۳).

نسل‌های گذشته معنای مشارکت اجتماعی را تنها آگاهی یافتن افراد از تصمیم‌گیری‌ها می‌دانستند و آن را صرفاً بیانیه‌هایی یک‌جانبه از سوی مدیران به جامعه تصور می‌کردند؛ اما امروزه و در شرایط حاضر مفاهیم جدیدتری ذیل مقوله مشارکت مطرح شده که به آن ابعاد گوناگونی می‌بخشد. تحولات دوران حاضر شکل جدیدی به جامعه شهری و روابط آن داده است. جامعه نوین شهری با ویژگی‌هایی چون ناهمگونی جمعیتی، تحرک اجتماعی بالا، تفکیک و قشربندی اجتماعی گسترده و سازماندهی اجتماعی و سیاسی جدید به همراه مطالبات گوناگون و پراکنده سیاسی، اجتماعی و مدنی شهروندان، زمینه‌ساز شکل‌گیری روابط جدیدی میان آنان و حکومت‌های محلی (دولت‌های شهری) شده است (صادقی، ۱۳۸۹) و به عقیده لرنر<sup>۱</sup> جامعه جدید، مشارکتی است و فراگرد نوسازی، حرکت از جامعه سنتی به طرف جامعه مشارکت‌جو می‌باشد. حاصل پژوهش‌ها و تجربیات پژوهشگران دلالت بر آن دارد که مشارکت اجتماعی شهروندان، سبب افزایش بازدهی، بالا رفتن کیفیت، کاهش تعارض و کاهش مقاومت‌های منفی همچون غیبت، تاخیر و کم‌کاری و افزایش درآمد خواهد شد (شریفی و اسلامیه،

1. Lerner

۱۳۹۰). راش<sup>۱</sup> در مباحث خود به اهمیت مشارکت اجتماعی در فرآیند توسعه و آگاهی اشاره کرده و آن را بنیان زندگی اجتماعی دانسته است (ترجمه صبوری، ۱۳۸۷). یکی از موارد مهمی که می تواند در تداوم و بالا بردن سطح کیفیت مشارکت اجتماعی شهروندان یک جامعه تاثیرگذار باشد، رویکرد جامعه محوری پلیس است. این مفهوم که در اوایل دهه ۱۹۸۰ شایع شد و جای واژگانی همچون ارتباط پلیس با جامعه، پلیس تیمی و پلیس مشکل گشا را گرفت، عبارت است از اینکه پلیس برای اداره امور پلیسی و مدیریت جامعه از سرمایه های اجتماعی و سایر منابع در ابعاد مختلف، که مشارکت و نظارت مردم در امور پلیسی از بارزترین و شاخص ترین نمادهای آن به حساب می آید، بهره گیرد و به تغییر و تحولات توجه ویژه داشته باشد (قهرمانی، ۱۳۹۰). به بیانی دیگر، جامعه محوری پلیس، نوعی راهبرد اصلاحی و رفرمی است که هدف آن، پاسخگو کردن پلیس در برابر انتظارات و خواسته های اجتماع است (گینگریچ و چو، ۲۰۰۶<sup>۲</sup>).

پلیس و نیروی انتظامی مهمترین نهاد نظارت اجتماعی هستند. این نیرو در کشورهای دموکراتیک انحصار مشروع به کارگیری زور و اجبار و خشونت علیه بی نظمی را در اختیار دارد (رنوئر، ۲۰۰۷<sup>۳</sup>). پلیس، اساسا برای موفقیت در انجام وظایف خود به همکاری و حمایت شهروندان متکی است؛ بدون حمایت عموم مردم، پلیس توانایی حل و فصل جرایم، کاهش مشکلات و حفظ نظم و همکاری در راستای جلوگیری از جرم را ندارد. اعتماد و اطمینان مردم به پلیس، سنگ بنا و محور هر نوع همکاری عمومی برای مشروعیت پلیس در جوامع دموکراتیک است (روزنباوم، ۲۰۰۵<sup>۴</sup>). همکاری و تعامل روزافزون پلیس با شهروندان به طور مستقیم از طریق افزایش احساس اثربخشی و کارایی شهروندان، تحکیم روابط بین همسایگان و دخالت دادن آنها در امور همسایگی و شهر، احساس ترس و ناامنی آنها را کاهش میدهد. مشارکت شهروندان در گروههای پایش محل، آموزش نوجوانان و برنامه های پاکسازی، احساس همبستگی اجتماعی شهروندان را افزایش داده و به کاهش ترس و افزایش احساس امنیت آنها کمک می کند. حضور پلیس در بین مردم و تعامل با آنها میتواند موجب تشویق مردم به مشارکت در راهبردی های پیشگیرانه از جرم

1. Rush  
2. Gingerich & Chu  
3. Renauer  
4. Rosenbaum

## Archive of SID

در محل همچون نگهبانی از محل و گزارشهای ناشناس از فعالیتهای مجرمانه شود (فرگوسن و میندلیم،<sup>۱</sup> ۲۰۱۱). مطالعات انجام شده در شیکاگو حاکی از آن است که آغاز پلیس جامعه محور در این کشور نشان دهنده برخی راهها برای مشارکت شهروندان است و از زمان شروع آن، مشارکت شهروندان به عنوان یکی از مهمترین موفقیتها تلقی شده است (اسکوگان،<sup>۲</sup> ۲۰۰۶). بریانت<sup>۳</sup> (۲۰۰۷) نیز دریافته است که پلیس جامعه محور به سمت بستری بزرگ برای حفظ صلح جامعه اتکا یافته است.

از موارد دیگری که می تواند بر مشارکت اجتماعی شهروندان تاثیرگذار باشد، مقوله امنیت اجتماعی است. نتایج مطالعات انجام شده حاکی از آن است که میزان مشارکت اجتماعی مردم، تابع احساس امنیت و رضایت آنان از عملکرد ناجا می باشد (کرامتی و ملتفت، ۱۳۸۶). همچنین عنوان شده است که با توجه به تحولات قرون اخیر، امنیت با مشارکت شهروندان امکان بقا و پایداری دارد (میرساردو و حسینی، ۱۳۸۹). در واقع، یکی از عمیق ترین و حیاتی ترین نیازهای انسان که در هیچ دوره ای بشر بی نیاز از آن نبوده و نخواهد بود، نیاز به امنیت است. موضوعی که در قانون جمهوری اسلامی ایران مورد توجه جدی قرار گرفته و در آن بیش از سی مورد تلویحا به بیان موضوع امنیت اجتماعی پرداخته است (سجادیان و همکاران، ۱۳۹۴). امنیت مهمترین شاخصه یک جامعه است و در هر جامعه ای، برخورداری از امنیت در هر سطحی به صورت پایدار و همه جانبه از اهداف اساسی هر نظام اجتماعی است. در واقع، سعادت یک جامعه در گرو حفظ و بقاء امنیت اجتماعی و احساس ناشی از آن است. مفهوم امنیت یکی از شاخصه های کیفیت زندگی است که عدم وجود آن هر جامعه را با پیامدهای منفی مواجه خواهد کرد و مانع توسعه در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی می شود (بوزان و هانسن،<sup>۴</sup> ۲۰۰۷).

از دید اسلام، مقوله امنیت آنچنان مهم است که حضرت ابراهیم (ع) قبل از هر چیز از خدا برای مکه طلب امنیت می کند. به فرموده پیامبر اکرم (ص) النعمتان مجهولتان، از صحه والامان؛ دو نعمت ناشناخته است: سلامت و امنیت. امنیت در قرآن به عنوان نعمت الهی در نظر گرفته شده است که در صورت ایمان به

1. Ferguson & Mindelm

2. Skogan

3. Bryant

4. Buzan & Hansen



۱۹۳

خدا و اجتناب از ظلم و انجام عمل صالح به انسان هدیه شده و موجب آرامش می شود (قصص، ۵۷؛ طه، ۱۱۲). مقام معظم رهبری در توصیف امنیت اجتماعی، در خطابه‌ای به ناجا بیان می‌دارند: امنیت یکی از اساسی‌ترین و اصلی‌ترین و نیازهای یک ملت و یک کشور است. مهمترین مشکل برای یک کشور وقتی به وجود می‌آید که در محیط کار، در محیط زندگی، در محیط تحصیل و در فضای عمومی جامعه، مردم احساس امنیت نکنند (اعظم کریمایی و همکاران، ۱۳۸۹).

به طور کلی، شرایط جهانی در مجموع و وضعیت کشورهای در حال توسعه در پایان قرن بیستم حاکی از تحولات جدی در زمینه مشارکت تمامی شهروندان یک جامعه از جمله زنان و مردان در فرآیند توسعه است. در واقع، با طرح مساله توسعه پایدار، انسان مشارکت جو، محور فرآیند توسعه محسوب شده است. در چنین توسعه‌ای، مشارکت موضوع اصلی در نظر گرفته شده است. در اینجا انسان و نیازهای واقعی او هدف نهایی توسعه پایدار است. توسعه درون‌زای پایدار، توسعه‌ای است که از پایین نشات می‌گیرد و لذا مردمی است، نیازهای پایدار اکثریت را مد نظر دارد و مستقل و به خود متکی است. بنابراین، مشارکت در این زمینه به عنوان سازوکار (مکانیسم) بسیج نیروها ضرورت و اهمیت می‌یابد (اسلامیه و ملایان، ۱۳۹۳). به خصوص در جامعه امروز که مشارکت به صورت یک نیاز و ارزشی اخلاقی - انسانی درآمده که همراه با خود، عنصری از مسئولیت‌پذیری و عمل آگاهانه را حمل می‌کند و با تاسی جستن از توصیه‌های دین مبین اسلام نیز باید اذعان داشت که مشارکت انسان‌ها، تضمین‌کننده بقای اجتماعی بوده و یک جامعه پویا، جامعه‌ای مشارکت جو در تمامی حوزه‌های نظامی، اقتصادی، فرهنگی، علمی، سیاسی خواهد بود و خداوند متعال نیز در سوره مبارکه «مائده» مسلمانان را به تعاون و یاری رساندن به یکدیگر فرمان داده است (آیه ۲). مروری بر نظریه‌ها و دیدگاه‌های مربوط به مشارکت شهروندان، این واقعیت تاریخی را آشکار می‌سازد که مشارکت معنادار شهروندان می‌تواند موجب استواری نظام شهری، نهادینه شدن انسجام اجتماعی و افزایش اثربخشی دستگاه‌های نظارتی گردد (دعاگویان، ۱۳۸۴). اما مطالعه پژوهش‌های انجام شده همچون یزدان‌پناه (۱۳۸۶)، شفیعی (۱۳۸۵)، محرمیان (۱۳۸۴) به نقل از شریفی و اسلامیه (۱۳۹۰) نشان می‌دهد که این امر، در برخی جوامع به خصوص در جوامع در حال گذر، کمتر اتفاق می‌افتد و شهروندان

## Archive of SID

در این جوامع، تمایلی به مشارکت در امور شهر و کشورشان نشان نمی‌دهند. در واقع، حساسیت اجتماعی به مسائل و فعالیت‌های شهری در این جوامع کم است. به همین دلیل در این پژوهش سعی شده است تا با توجه به نقش پلیس که امروزه رویکرد «اقتدارگرایی» خود را پشت سر گذاشته و وارد دوره «جامعه‌گرایی» شده است، با رویکردی کاربردی به بررسی نقش پلیس (به عنوان تامین کننده امنیت و برقراری احساس امنیت در میان مردم، محافظت از اجتماع، کمک به مردم و ایجاد اطمینان قلبی در آنان و نیز اقدامات پیشگیرانه از وقوع جرم و از همه مهمتر اجرای درست قانون) در مشارکت اجتماعی شهروندان با تاکید بر رویکرد جامعه‌محوری پلیس و تعدیل‌گری امنیت اجتماعی از دیدگاه دانشجویان دوره کارشناسی ارشد، به عنوان افرادی که سال‌های زیادی را تحت آموزش نظام رسمی قرار گرفته‌اند و انتظار می‌رود تا به عنوان الگویی برای عامه شهروندان جامعه در جهت مشارکت در امور مختلف شهری و کشوری جهت رسیدن به توسعه پایدار باشند، پرداخته شود.

## مبانی نظری

### مفهوم مشارکت اجتماعی

مشارکت اجتماعی دلالت بر گسترش روابط بین گروهی در قالب انجمن‌های داوطلبانه، باشگاه‌ها، اتحادیه‌ها و گروه‌هایی دارد که معمولاً خصلتی محلی و غیردولتی دارند که در قالب سیاست‌های اجتماعی، مشارکت و درگیر ساختن مردم در فرایندهای اجتماعی مختلف را هدف خود می‌دانند (غفاری، ۱۳۸۰). مشارکت اجتماعی ریشه در ساخت و روابط گروهی در سطوح محلی و ملی دارد و در نهایت مبتنی بر یک فرآیند است، فرایندی که طی آن اطمینان و همبستگی میان مردم برقرار می‌شود. مشارکت عنصری پویا، کمیت‌ناپذیر و تا حدودی غیر قابل پیش‌بینی و دگرگون‌کننده شرایط است (محسنی و جاراللهی، ۱۳۸۲).

### دیدگاه مکاتب مختلف به مشارکت اجتماعی

۱- **مکتب ساخت‌گرایی:** این مکتب معتقد است که مشارکت اجتماعی مردم جزئی از ساخت اجتماعی هر جامعه را تشکیل می‌دهد. از نظر صاحب‌نظران این مکتب، روابط پایدار نهادینه‌شده در جامعه‌اند که میزان مشارکت افراد را تحت



۱۹۵

تأثیر قرار می دهند. مشارکت اجتماعی توده مردم، ساخت جامعه را حفظ می کند و موجب بقا و ادامه حیات آنها می شود. برای بالا بردن مشارکت افراد یا گروه‌ها در جامعه باید تغییرات اساسی در ساخت‌های گوناگون جامعه ایجاد شود.

۲- **مکتب کارکردگرایی:** این مکتب توجه خود را به نقش‌ها و کارکردهایی معطوف می دارد که مشارکت افراد یا گروه‌ها در جامعه موجب پدید آمدن آنها می شود. از نظر طرفداران این مکتب عملکرد یا فونکسیون که مشارکت گروه یا طبقه خاصی در جامعه به وجود می آورد، حائز اهمیت است. زیرا در نتیجه این کارکردها، نظام اجتماعی می تواند به حیات خود ادامه دهد و انسجام اجتماعی و وفاق جمعی را پدید آورد. در این مکتب، نقشی که هر جزئی از ساخت اجتماعی در رابطه با کل در جهت یکپارچگی ایفا می کند، حائز اهمیت است.

۳- **مکتب تضاد:** این مکتب، مشارکت اجتماعی را در قالب روابط طبقاتی، مبادله نابرابر و کشمکش و ستیز میان گروه‌ها مورد توجه قرار می دهد. نظریه پردازان مکتب تضاد، روح جمعی و انسجام اجتماعی را مورد غفلت قرار می دهند. این مکتب، معنای عام و واقعی مشارکت را در جامعه‌ای آرمانی و بی طبقه جست‌وجو می کند.

۴- **دیدگاه‌های فرهنگی:** این دیدگاه جنبه‌های پویایی مشارکت را برحسب ایجاد تغییرات در ساخت‌های جامعه، به خصوص مجموعه‌ای از ارزش‌ها که مانع یا مشوق مشارکت اجتماعی می شوند، بررسی می کند. در این دیدگاه‌ها اهمیت متغیرهای ساختی انکار نمی شود ولی ارزش‌های فرهنگی پیش‌نیاز اساسی برای وصول به مشارکت اجتماعی محسوب می شوند.

۵- **دیدگاه‌های روان‌شناختی:** این دیدگاه افزایش مشارکت در جامعه را ناشی از تغییر در نگرش، افکار و شخصیت افراد می داند. به منظور بالا رفتن میزان مشارکت مردم در جامعه، ایجاد سلسله تغییرات مطلوبی در ساخت شخصیت آنها الزامی است. در این دیدگاه، تاکید بر الگوهای تغییر در سیستم اعتقادات و خصوصیات شخصیتی است، مردم باید از نظر روانی، انگیزه کسب موفقیت بیشتر را داشته باشند. از نظر انگلس<sup>۱</sup> انسان مدرن، شهروندی مشارکت‌کننده، آگاه، مستقل، خودمختار و قابل انعطاف است و نسبت به انجام وظایف و کارها احساس مسئولیت

1. Engels

کامل می کند (جباری، ۱۳۸۷).

### مفهوم جامعه محوری پلیس

پلیس جامعه محور مفهومی است که از بسیاری جنبه‌ها نیاز به تعریف دارد. اما گسترده ترین دامنه، جوهره و عصاره امور پلیس را شامل می شود و آن عبارت است از نوعی ارتباط بین عموم مردم و سازمان پلیس (به عنوان نمایندگان مردم) که موجب ارتقاء رفاه جامعه میشود (میس و اورتمایر،<sup>۱</sup> ترجمه شاکری، ۱۳۸۵). به باور فارال<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۰۰) پلیس جامعه محور، فلسفه‌ای سازمانی و رهیافتی مدیریتی است که همیاری و همکاری بین اجتماع و پلیس، روش‌های غیرمنفعلا نه حل مسئله، مشارکت اجتماع در شناسایی علل جرم، ترس از جرم و سایر مسائل اجتماع را تقویت می کند. مهمترین ویژگی برای پلیس جامعه محور را ایجاد تعامل نزدیک و پر کردن شکاف بین شهروندان و پلیس بر شمرده اند (فیلدینگ،<sup>۳</sup> ۲۰۰۵).

### وظایف و ماموریت های پلیس جامعه محور

در خصوص وظایف و ماموریت های پلیس جامعه محور، اصول ده گانه ای موجود است که هر یک بر محوری خاص از وظایف و ماموریت های پلیس جامعه محور اشاره دارند و عبارتند از:

۱. فلسفه و راهبرد سازمانی؛ به این معنی که رویکرد پلیس جامعه محور هم فلسفه یا روشی برای تفکر است و هم راهبردی سازمانی (روشی برای به اجرا درآوردن آن روش تفکر). بدین ترتیب، دستورالعمل های اجرای قانون، بیشتر از طریق استماع درخواست های شهروندان به دست می آید تا از مفروضات از پیش موجود درباره خواست شهروندان؛
۲. رویکرد پلیس جامعه محور بر حل مسئله به صورت خلاق و ابتکاری تاکید دارد؛
۳. رویکرد پلیس جامعه محور بر افزایش اعتماد اجتماعی تاکید دارد؛
۴. در این رویکرد برای ضابطین قانون، نقش وسیع تری در نظر گرفته می شود. در واقع یکایک اعضای پلیس به عنوان عضوی از اجتماع به شهروندان در حل مشکلات کمک می کنند؛

1. Mis & Ortmyer

2. Farrall

3. Filding





۱۹۷

۵. این رویکرد بر درگیر شدن اجتماع در حل مشکلات خود تاکید دارد و می خواهد شهروندان خود در روند حل مسئله مشارکت داشته باشند؛

۶. پلیس جامعه محور فعال است و به صورت انفعالی و واکنشی عمل نمی کند؛

۷. پلیس جامعه محور آماده است تا هر جا به کمک او نیاز است، به خدمت بشتابد؛

۸. پلیس جامعه محور روند ارائه خدمات به روش سنتی را از طریق تعامل با جامعه تقویت می کند؛

۹. رویکرد پلیس جامعه محور، تمام افراد ضابط قانون را دربرمی گیرد؛

۱۰. رویکرد پلیس جامعه محور ارائه خدمت را فراتر از انجام وظیفه به عنوان ضابط قانون، امری شخصی ساخته است (ترویانوویچ و باکوروکس،<sup>۱</sup> ترجمه مرکز مطالعات و تحقیقات کاربردی و طرح و برنامه ناجا، ۱۳۸۳).

### مفهوم امنیت اجتماعی

لارنت گوتشل<sup>۲</sup> (۱۹۹۹) در تعریف کاربردی خویش، امنیت اجتماعی را برابر با سطح توسعه انسانی و سطح نابرابری اقتصادی در نظر می گیرد. به اعتقاد گکز<sup>۳</sup> (۲۰۰۰) امنیت اجتماعی در یک مفهوم وسیع، حقوق بشر، توسعه، مسائل جنسیتی و موارد دیگری را که به آن برجسب امنیت انسانی زده می شود، دربرمی گیرد. وی علاوه بر مولفه های اخیر، مولفه های دیگری نظیر عدالت در سطح ملی، ریشه کن کردن فقر، آزادی نسل های آتی برای به ارث بردن یک محیط سالم را مطرح می سازد (صالحی امیری و افشاری نادری، ۱۳۹۰). با استناد به تعاریف مطرح شده می توان گفت: امنیت اجتماعی شامل تمهیداتی جهت حفظ زندگی اعضای یک جامعه و سپس حفظ راه و روش زندگی آنان است (گیدنز،<sup>۴</sup> ترجمه صبوری، ۱۳۸۷).

### جایگاه امنیت اجتماعی در نظام اسلامی

در آیات مختلفی نعت امنیت از بارزترین نعمت های بهشت معرفی شده و برخورداری از آن، ویژگی مهم مومنان در قیامت محسوب شده است (سبا، ۳۷؛ انعام، ۸۲؛ دخان، ۵۵؛ فصلت، ۴۰). قرآن مجید نعمت امنیت را آن چنان بزرگ

1. Terioanvich & Bakorox

2. Laurent Goetschel

3. Gechs

4. Gidnes

## Archive of SID

می‌شمرد که آن را بر هر چیز دیگر مقدم می‌دارد. به همین دلیل هنگامی که ابراهیم خلیل(ع) وارد سرزمین خشک و سوزان و بی‌آب و علف مکه شد و خانه کعبه را بنا نهاد، اولین چیزی که از خداوند برای ساکنان آینده آن سرزمین تقاضا کرد نعمت امنیت بود: \* «رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ» \* («پروردگارا، این سرزمین را شهر امنی قرار بده و اهل آن را از ثمرات گوناگون روزی ده») (بقره، ۱۲۶). اسلام تا آن حد به امنیت داخلی جوامع اسلامی اهمیت داده است که توسل به زور و نیروی نظامی را در اختلاف و کشمکش‌های داخلی، در صورتی که شیوه‌های مسالمت آمیز اثر بخش واقع نشود تجویز کرده در همان سوره حجرات که به یک معنا سوره امنیت است می‌خوانیم: \* «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» \* («پس بین دو برادر خود صلح و آشتی برقرار سازید و تقوای الهی پیشه کنید، تا مشمول رحمت او شوید») (حجرات، ۹).

## مطالعات امنیتی مکتب «کپنهاک»

«مکتب کپنهاک» اصطلاحی است که بیل مک سوئینی<sup>۱</sup> برای آثار و نقطه نظرات بری بوزان<sup>۲</sup>، آل ویور<sup>۳</sup>، دو ویلد<sup>۴</sup> و برخی دیگر از صاحب نظران امنیتی به کار برده است. این مکتب جزو اولین رهیافت‌هایی است که در راستای پایه‌گذاری جایگاهی مستقل برای مطالعات امنیتی تلاش نموده است. مکتب کپنهاک با طرح مسئله امنیت فردی و مفهوم دولت به تبیین چالش‌های مرتبط با مرجع امنیت می‌پردازد. به عبارتی دیگر، مکتب کپنهاک با رد فردمحوری در مرجع امنیت، تمرکز خود را بر دولت به عنوان مرجع امنیت قرار می‌دهد و معتقد است با توجه به نقش دولت به عنوان نیرومندترین بازیگر در نظام بین‌الملل که مسائل بین‌المللی، دولتی و نیمه‌دولتی را حل و فصل می‌کند و بزرگترین نقش را در تأمین امنیت دارد، باید به دولت به عنوان مرجع امنیت نگاه کرد (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۲).

بوزان به عنوان صاحب نظر اصلی این مکتب، اینگونه عنوان می‌کند که، گرچه

1. MacSoeny  
2. Barry Buzan  
3. Ol Viewr  
4. Do Wilde



امنیت فردی گویای سطح مشخص و مهمی از تحلیل است، اما افراد نمی توانند به عنوان مرجع امنیت شناخته شوند. از نظر وی، هیچ گونه هماهنگی الزامی بین امنیت فردی و امنیت ملی وجود ندارد. امنیت افراد به سادگی قابل تعریف نیست. عواملی مانند حیات، ثروت، موقعیت اجتماعی، سلامتی و آزادی به عنوان شاخصه های امنیت فردی بسیار پیچیده و دارای جنبه های متناقض می باشند، مانند حمایت از افراد در برابر جرایم که به محدود شدن آزادی های مدنی می انجامد. در حالیکه دولت تاحدودی برای فرد تامین امنیت می کند، این کار با تحمیل میزانی از تهدیدات مستقیم و غیرمستقیم که دارای اثرات جانبی عمدی و غیرعمدی بر حوزه امنیت فردی هستند، صورت می گیرد. بنابراین، تناقض میان امنیت فردی و امنیت ملی در موارد بسیاری بروز می کند. با این وجود، ملاحظات و سیاست های امنیت فردی از طرق گوناگونی بر امنیت ملی تاثیر می گذارند، مانند نقش شهروندان به عنوان ستون پنجم دشمن، تبدیل افراد و گروه ها به مسئله امنیت ملی مانند تروریست ها، جدایی طلبان و انقلابی ها و نیز دیدگاه ها و نگرانی های افرادی که به عنوان رهبران، تصمیمات امنیتی اتخاذ می کنند. بوزان در رد تلقی از فرد به عنوان مرجع امنیت سه مورد را ذکر می کند:

۱. گرچه امنیت فردی گویای سطح مشخص و مهمی از تحلیل است؛ ولی اصولاً تابع ساختارهای سیاسی عالی تر دولتی و بین المللی قرار دارد. با توجه به این امر، امنیت ملی و بین المللی را نمی توان به امنیت فردی تقسیم کرد.
۲. امنیت فردی به طور مثبت و منفی تحت تاثیر دولت قرار می گیرد و زمینه های عدم هماهنگی بین امنیت فردی و ملی گویای این تناقض دائمی است.
۳. پیگیری امنیت فردی اثرات مختلفی بر امنیت ملی می گذارد. در مواردی که دولت و اتباع آن به شدت در تعارض هستند، پریشانی داخلی ممکن است انسجام دولت را از جهات مختلف تهدید کند و این امر، کاربرد مفهوم امنیت ملی را با مشکل مواجه می سازد (بوزان، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۳).

## دیدگاه «پارسونز» به امنیت اجتماعی

از جامعه شناسان مشهوری که به مسئله نظم و امنیت اجتماعی نگاه دقیقی داشته

## Archive of SID

تالکوت پارسونز<sup>۱</sup> است. وی برای هر نظام اجتماعی چهار ضرورت کارکردی عام برمی شمارد که بدون تامین آنها جامعه در تعادل، نظم و موجودیت خود دچار بحران می گردد. این چهار ضرورت کارکردی عبارتند از:

۱. مسئله تامین نیازها یا انطباق با محیط پیرامون که توسط خرده نظام اقتصادی صورت می گیرد.

۲. مسئله دستیابی به اهداف یا تحصیل و تعقیب اهداف و منافع ملی که توسط خرده نظام سیاسی صورت می گیرد.

۳. مسئله انسجام، همبستگی و وفاق اجتماعی که توسط خرده نظام اجتماعی صورت می گیرد.

۴. مسئله حفظ ارزش ها و الگوها که توسط خرده نظام فرهنگی انجام می گیرد. از نظر پارسونز از بین رفتن یا عدم تامین هر یک از ضرورت های چهارگانه فوق (تامین نیازهای مادی و اقتصادی، دستیابی به اهداف و منافع، همبستگی و وفاق، دانش و اطلاعات) به هر دلیل موجب اختلال کارکردی و عدم تعادل، ناامنی و بی نظمی در جامعه خواهد گردید (ریتزر،<sup>۲</sup> ترجمه ثلاثی، ۱۳۸۲). از نظر پارسونز هر نظم اجتماعی در معرض بمباران منافع متضاد کنشگران اجتماعی است و به همین خاطر همواره با تهدیدها و مخاطراتی از درون و بیرون مواجه بوده که موجب می شود حکام و دولتمردان به چاره جویی مستمر جهت مقابله با این تهدیدات و حفظ امنیت و نظم پردازند (چلبی، ۱۳۸۸).

### پیشینه پژوهش

اعظم کریمایی و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهشی به بررسی نقش نیروی انتظامی در تامین امنیت اجتماعی پرداختند. نتایج نشان داده است که مأموریت های اصلی نیروی انتظامی که در قالب نقش نیروی انتظامی آورده شده، بر امنیت اجتماعی تاثیر معنی دار و افزایشی دارد. شایگان (۱۳۸۸) پژوهشی را به منظور بررسی نقش سرمایه اجتماعی پلیس در جلب همکاری مردمی انجام داده است. نتایج پژوهش بیانگر آن بوده است که سرمایه اجتماعی پلیس، حضور و مشارکت او در فعالیت های محل، همکاری پلیس با مردم خصوصا در ساعات غیراداری و میزان احترامی که مردم بر

1. Talcot Parsons

2. Ritzer



۲۰۱

پلیس می گذارند، همگی تاثیر به سزایی در افزایش همکاری مردم با پلیس داشته است.

قدرتی و همکاران (۱۳۸۸) در مطالعه‌ای به بررسی احساس امنیت اجتماعی و تاثیر نهادهای نظم و قانون یعنی پلیس و دادگاه و همچنین تاثیر عضویت در شبکه‌های اجتماعی داوطلبانه، بر آن پرداخته‌اند. یافته‌های به دست آمده نشان داده است که در وهله اول، بهبود عملکرد نهادهای دولتی و به ویژه دو نهاد یاد شده و در وهله دوم، گسترش شبکه‌های اجتماعی می‌تواند به تقویت احساس امنیت اجتماعی شهروندان، کمک نماید. منظمی تبار (۱۳۸۵) در طی مقاله‌ای با عنوان بررسی نقش مشارکت مردمی در تقویت امنیت اجتماعی، با هدف نشان دادن این واقعیت که امنیت اجتماعی، برآیند تعامل و مشارکت همگانی کنش‌گران اجتماعی و در نتیجه، يك تولید اجتماعی است که با میزان احساس مسئولیت و مشارکت اجتماعی، ارتباط نزدیکی دارد، نتیجه می‌گیرد که مشارکت اجتماعی مردم با پلیس در امور امنیتی دارای کارکردهای آشکار و پنهان فراوانی همچون افزایش نظم و انسجام اجتماعی، افزایش تعهد و اعتماد اجتماعی، قبول مسئولیت، افزایش امنیت، افزایش مقبولیت اجتماعی پلیس و برقراری روابط عاطفی میان پلیس و مردم است.

شاید ر<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۰۶) در مطالعه‌ای به این نتیجه رسیدند که تعامل بین ساکنان اجتماع میتواند از طریق افزایش آگاهی ساکنان با روشهای خاص پلیس و ایجاد و بسط روابط فردی، رضایتمندی از پلیس را افزایش دهد. آدامز<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۰۵) در مطالعه‌ای که بر روی پنج شهر کوچک در کالیفرنیا شمالی انجام دادند، دریافتند شهروندانی که آگاهی بیشتری از اجرای برنامه‌های «پلیس جامعه محور» داشتند در مقایسه با آنهایی که آگاهی کمتری از این برنامه‌ها داشتند، نگرش مثبتی به فعالیتهای پلیس داشته شرکت کرده، بیشتر برنامه‌های محافظت از خود شرکت کرده و ترس کمتری از جرم و احساس یکپارچگی بیشتری با اجتماع داشتند.

## مدل مفهومی پژوهش

با توجه به پیچیده بودن موضوع پژوهش به لحاظ چندمتغیره بودن آن، برای طراحی و تدوین فرضیه‌های پژوهش، از چندین نظریه بهره گرفته شده است.

1. Scheider  
2. Adams

## Archive of SID

جامعه محوری پلیس که به عنوان متغیر پیش‌بینی کننده پژوهش در نظر گرفته شده است، یکی از مهمترین رویکردهای جدید پلیس برای تامین امنیت در جامعه است. رویکرد جامعه محوری پلیس محیطی امن تر برای محله‌ها ایجاد می‌کند و موجب همکاری نزدیک میان پلیس و مردم می‌گردد. این رویکرد از تلاشهای پیشین مانند اداره امور پلیسی گروهی، ارتباطات اجتماعی، برنامه‌های پیشگیری از وقوع جرم یا برنامه‌های مراقبت از محله متفاوت است. دو مفهوم اصلی آن عبارتند از: همکاری پلیس و اجتماع و اتخاذ رویکرد حل مساله در امور پلیس (هس و میلر،<sup>۱</sup> ترجمه کلهر، ۱۳۸۲). مهمترین ویژگی این رویکرد توجه آن به ارتباط و حمایت دوسویه سازمان پلیس و جامعه است. بدین ترتیب می‌توان این رویکرد را یک نوع راهبرد سازمان پلیس دانست که بر دو پایه اصلی استوار است:

۱. اولین پایه به این راهبرد را لزوم برقراری تعامل پلیس با ارکان مختلف جامعه به منظور امکان خدمتگذاری بهتر به مردم تشکیل می‌دهد. سازمانی برخاسته از مردم و برای مردم. در این مفهوم، پلیس به منزله سازمانی است که از بطن مردم و برای خدمتگذاری به مردم برخاسته است و برنامه‌های خود را در جهت ارائه خدمات بهتر به مردم و جلب رضایت عمومی تنظیم می‌کند.

۲. دومین پایه راهبرد جامعه محوری پلیس، عمومی تلقی نمودن مقوله نظم و امنیت اجتماعی است. بدین معنا که پلیس به تنهایی نمی‌تواند نظم و امنیت را در جامعه برقرار نماید، بلکه این سازمان در جهت برقراری نظم و امنیت در جامعه نیازمند واقعی کمک و حمایت مردمی است (لشنی پارسا، ۱۳۸۷).

با توجه به موارد ذکر شده، جامعه محوری پلیس در این پژوهش به صورت کلی در نظر گرفته شده است و ویژگی‌های پلیس جامعه محور مدنظر محققان قرار گرفته است. برای متغیر مشارکت اجتماعی به عنوان متغیر پیش‌بینی پذیر پژوهش، با استناد بر اینکه، مشارکت اجتماعی دربرگیرنده انواع کنش‌های فردی و گروهی به منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تاثیر نهادن بر فرآیندهای تصمیم‌گیری درباره امور عمومی است. از این دیدگاه، مشارکت اجتماعی در دو بُعد مطرح شده است که عبارتند از:

۱. بُعد ذهنی مشارکت اجتماعی: که همان تمایل به مشارکت اجتماعی است که در

1. Hes & Miller



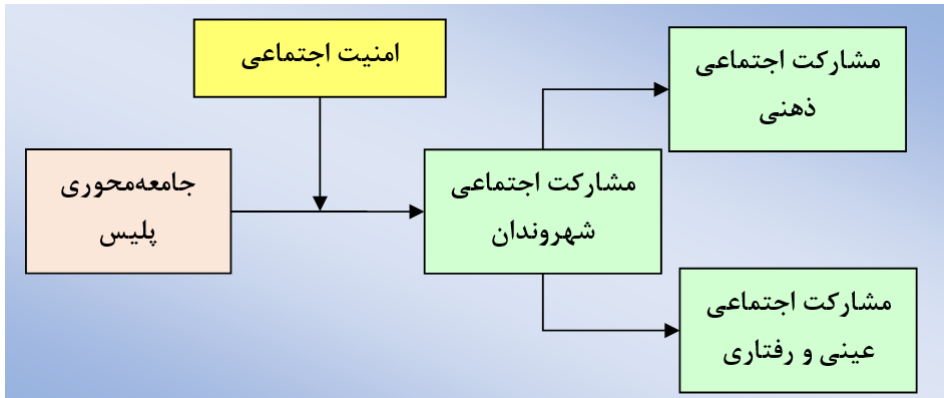
۲۰۳

نتیجه اعتماد و سایر عوامل زمینه ساز در افراد ایجاد می شود.

۲. بُعد عینی و رفتاری مشارکت اجتماعی: که به صورت عضویت، نظارت، اجرا و تصمیم گیری بروز می کند و همان پیوند عینی افراد است (موسوی، ۱۳۸۵).  
امنیت اجتماعی نیز که در این پژوهش نقش تعدیل کننده را دارد، فرآیند روانی- اجتماعی است که صرفاً بر افراد تحمیل نمی شود؛ بلکه اکثر افراد جامعه بر اساس نیازها، علائق، خواسته ها و توانمندی های شخصیتی و روانی خود در ایجاد و از بین بردن آن نقش اساسی دارند (شریفی و اسلامی، ۱۳۹۲).

به نظر مولر<sup>۱</sup> امنیت اجتماعی مقوله ای است که افراد و دولت به همراه یکدیگر در تامین آن سهیم و شریک هستند (غفاری، ۱۳۹۰). امنیت مورد نظر بوزان، بیشتر دولت محور است و کمتر به ابعاد و تحولات فرهنگی و اجتماعی جدیدی توجه دارد. به اعتقاد ویور، امنیت اجتماعی هم تراز با امنیت زیست محیطی، امنیت سیاسی و امنیت اقتصادی نیست؛ بلکه این مفهوم هم سنگ امنیت ملی است (ربیعی، ۱۳۸۴).

با عنایت به نظریات مطرح شده نقش امنیت اجتماعی در این پژوهش به صورت کلی در نظر گرفته شده است و مدل مفهومی پژوهش به صورت شکل شماره ۱ تدوین شده است.



شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش

## فرضیه های پژوهش

۱. جامعه محوری پلیس بر مشارکت اجتماعی ذهنی شهروندان تاثیر معناداری دارد و امنیت اجتماعی این تاثیر را تعدیل می کند.
۲. جامعه محوری پلیس بر مشارکت اجتماعی عینی و رفتاری شهروندان تاثیر معناداری دارد و امنیت اجتماعی این تاثیر را تعدیل می کند.

## روش شناسی پژوهش

**نوع پژوهش:** این پژوهش به لحاظ هدف، کاربردی؛ از لحاظ جمع آوری داده ها، توصیفی (همبستگی) و از لحاظ داده های جمع آوری شده از نوع کمی (به واسطه استفاده از پرسشنامه) است.

جامعه آماری، نمونه و روش نمونه گیری: جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد آشتیان تشکیل داده اند. طبق استعلام صورت گرفته، تعداد دانشجویان مشغول به تحصیل در سال ۹۴-۹۵ برابر با ۷۵۳ نفر (۲۲۸ نفر زن و ۵۲۵ نفر مرد) گزارش شد. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران برابر با ۲۵۴ نفر برآورد شد. برای نمونه گیری نیز از روش نمونه گیری طبقه ای بر اساس جنسیت دانشجویان استفاده شد (جدول شماره ۱).

جدول ۱: توزیع جامعه و نمونه بر حسب جنسیت

متغیر	حجم جامعه	حجم نمونه
دانشجویان زن	۲۲۸	۷۷
دانشجویان مرد	۵۲۵	۱۷۷
جمع کل	۷۵۳	۲۵۴

ابزار و روش جمع آوری داده ها: برای جمع آوری داده ها از سه پرسشنامه بسته پاسخ محقق ساخته استفاده شده است. پرسشنامه جامعه محوری پلیس، دارای ۱۶ عبارت است که بر مبنای ویژگی های پلیس جامعه محور که در نظریات فلدینگ، ۲۰۰۵ و ترویانوویچ و باکوروکس، ۲۰۰۰ مطرح شده است، طراحی شده است و پاسخ دهندگان میزان وجود هر یک از ویژگی های مطرح شده را در عملکرد پلیس ناجا مشخص





می نمایند. پرسشنامه مربوط به سنجش میزان مشارکت اجتماعی شهروندان، دارای ۱۷ عبارت است که بر مبنای دو بُعد مشارکت اجتماعی تحت عناوین بُعد ذهنی و بُعد عینی و رفتاری، طراحی شده است. پرسشنامه امنیت اجتماعی نیز مشتمل بر ۱۱ عبارت است. مقیاس هر سه پرسشنامه به صورت ۵ درجه‌ای لیکرت است که امتیازدهی آنها به صورت خیلی کم با نمره ۱، کم با نمره ۲، متوسط با نمره ۳، زیاد با نمره ۴ و خیلی زیاد با نمره ۵ در نظر گرفته شده است.

برای بررسی میزان اعتبار و اعتماد ابزار از معیارهای روش حداقل مربعات جزئی به کمک نرم افزار Smart-PLS استفاده شد. در بخش اعتبارسنجی (روایی) دو معیار روایی همگرا و واگرا و در بخش اعتمادسنجی (پایایی) از آلفای کرونباخ<sup>۱</sup> و پایایی ترکیبی (CR)<sup>۲</sup> بهره گرفته شد و همانطور که جداول شماره ۲ و ۳ نشان می دهند، روایی و پایایی ابزار، قابل قبول می باشند.

جدول ۲: نتایج پایایی و روایی همگرای ابزار پژوهش

روایی همگرا (AVE)	پایایی		متغیر
	ترکیبی (CR)	آلفای کرونباخ	
۰/۷۷۷	۰/۹۸۲	۰/۹۸۰	جامعه محوری پلیس
۰/۵۹۰	۰/۹۰۶	۰/۸۶۷	مشارکت اجتماعی ذهنی
۰/۵۰۱	۰/۷۸۱	۰/۷۰۹	مشارکت اجتماعی عینی و رفتاری
۰/۸۱۸	۰/۹۸۰	۰/۹۷۶	امنیت اجتماعی
* سطح قابل قبول برای آلفای کرونباخ: بیشتر از ۰/۷ * سطح قابل قبول برای پایایی ترکیبی: بیشتر از ۰/۷ * سطح قابل قبول برای AVE: بیشتر از ۰/۵			

1. Cronbachs Alpha  
2. Composite Reliability

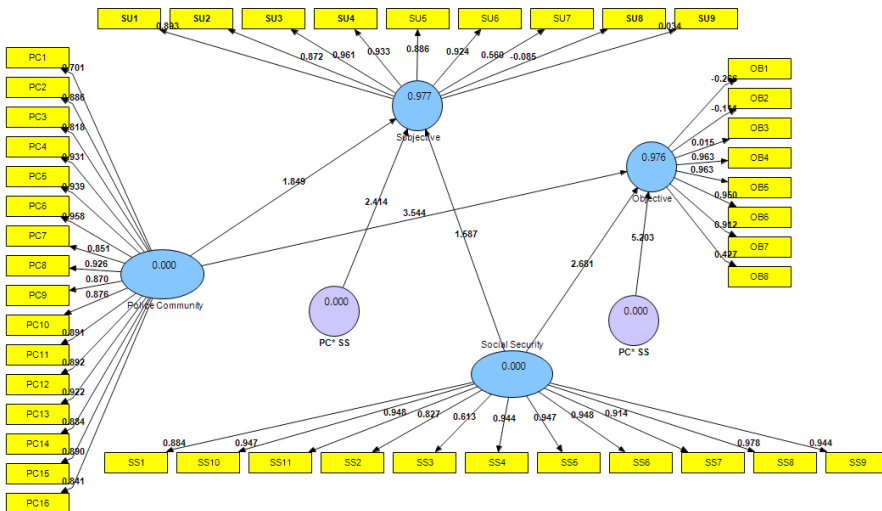


متغیر	جامعه محوری پلیس	مشارکت اجتماعی ذهنی	مشارکت اجتماعی عینی و رفتاری	امنیت اجتماعی
جامعه محوری پلیس	۰/۸۸۱			
مشارکت اجتماعی ذهنی	۰/۶۱۳	۰/۷۶۸		
مشارکت اجتماعی عینی و رفتاری	۰/۶۹۵	۰/۶۸۴	۰/۷۰۷	
امنیت اجتماعی	۰/۸۶۱	۰/۰/۸۵۳	۰/۸۲۶	۰/۹۰۴

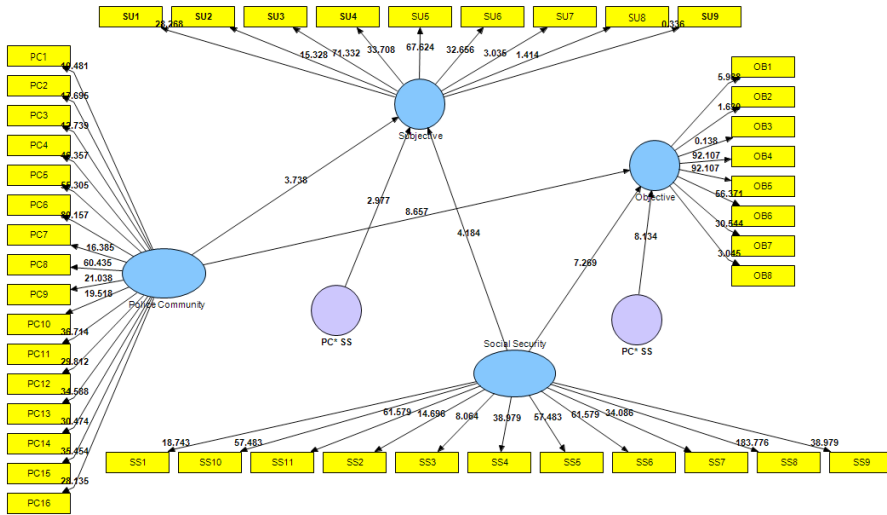
\* معیار تصمیم گیری برای روایی واگرا: بیشتر بودن مقدار جذر AVE هر متغیر از ضرایب همبستگی آن متغیر با متغیرهای دیگر.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات: برای تجزیه و تحلیل داده های حاصل از اجرای پرسشنامه های پژوهش، متناسب با موضوع و فرضیه های تدوین شده، از معادلات ساختاری مبتنی بر رویکرد حداقل مربعات جزئی به کمک نرم افزار Smart-PLS بهره گرفته شده است.

### یافته ها



نمودار ۱: مدل ساختاری پژوهش همراه با ضرایب بارهای عاملی



**فرضیه ۱:** جامعه محوری پلیس بر مشارکت اجتماعی ذهنی شهروندان تاثیر معناداری دارد و امنیت اجتماعی این تاثیر را تعدیل می کند.

جدول ۴: نتایج تاثیر جامعه محوری پلیس بر مشارکت اجتماعی ذهنی شهروندان با نقش تعدیلگر

امنیت اجتماعی

نتیجه آزمون	R <sup>۲</sup>	ضریب مسیر	آماره t	مسیر
تایید	۰/۹۷۷	۱/۸۴۹	۳/۷۳۸	جامعه محوری پلیس → مشارکت اجتماعی ذهنی
تایید		۲/۴۱۴	۲/۹۷۷	جامعه محوری پلیس * امنیت اجتماعی → مشارکت اجتماعی ذهنی

همانطور که در نمودارهای شماره ۱-۲ و جدول شماره ۴ نشان داده شده است، ضریب مسیر بین جامعه محوری پلیس و مشارکت اجتماعی ذهنی برابر با ۱/۸۴۹ به دست آمده است. آماره t برای این تاثیر ۳/۷۳۸ و مقدار آن بالاتر از آستانه معناداری یعنی ۱/۹۶ به دست آمده است. بنابراین می توان چنین نتیجه گرفت که جامعه محوری پلیس بر مشارکت اجتماعی ذهنی شهروندان تاثیر مثبت دارد. از

۱. در هر دو نمودار، SU1 تا SU9 مربوط به مشارکت اجتماعی ذهنی؛ OB1 تا OBA مربوط به مشارکت اجتماعی عینی و رفتاری؛ SS1 تا SS9 مربوط به امنیت اجتماعی؛ PC1 تا PC16، PC\*CC، مربوط به جامعه محوری پلیس \* امنیت اجتماعی است.

## Archive of SID

طرفی دیگر، بررسی نقش تعدیل گر امنیت اجتماعی در تاثیر به دست آمده نشان می دهد که آماره t که برابر با ۲/۹۷۷ است، از ۱/۹۶ بزرگتر بوده و با اطمینان ۹۵ درصد، اثر تعدیل گر امنیت اجتماعی بر تاثیر جامعه محوری پلیس بر مشارکت اجتماعی ذهنی شهروندان نیز مورد تایید قرار می گیرد. بطوریکه این اثر با توجه به ضریب مسیر به دست آمده (۲/۴۱۴) که مثبت است، به صورت مثبت بوده و بر مبنای R<sup>۲</sup> حاصل شده، مقدار ۹۷/۷ درصد تغییرات بین جامعه محوری پلیس و مشارکت اجتماعی ذهنی، حاصل تعدیل امنیت اجتماعی می باشد.

**فرضیه ۲:** جامعه محوری پلیس بر مشارکت اجتماعی عینی و رفتاری شهروندان تاثیر معناداری دارد و امنیت اجتماعی این تاثیر را تعدیل می کند.

جدول ۵: نتایج تاثیر جامعه محوری پلیس بر مشارکت اجتماعی عینی و رفتاری شهروندان با نقش

## تعدیل گر امنیت اجتماعی

نتیجه آزمون	R <sup>۲</sup>	ضریب مسیر	آماره t	مسیر
تایید	۰/۹۷۶	۳/۵۴۴	۸/۶۵۷	جامعه محوری پلیس — مشارکت اجتماعی عینی و رفتاری
تایید		۵/۲۰۳	۸/۱۳۴	جامعه محوری پلیس * امنیت اجتماعی — مشارکت اجتماعی عینی و رفتاری

همانطور که در نمودارهای شماره ۲-۱ و جدول شماره ۵ نشان داده شده است، ضریب مسیر بین جامعه محوری پلیس و مشارکت اجتماعی عینی و رفتاری برابر با ۳/۵۴۴ به دست آمده است. آماره t برای این تاثیر ۸/۶۵۷ و مقدار آن بالاتر از آستانه معناداری یعنی ۱/۹۶ به دست آمده است. بنابراین می توان چنین نتیجه گرفت که جامعه محوری پلیس بر مشارکت اجتماعی عینی و رفتاری شهروندان تاثیر مثبت دارد. از طرفی دیگر، بررسی نقش تعدیل گر امنیت اجتماعی در تاثیر به دست آمده نشان می دهد که آماره t که برابر با ۸/۱۳۴ است، از ۱/۹۶ بزرگتر بوده و با اطمینان ۹۵ درصد، اثر تعدیل گر امنیت اجتماعی بر تاثیر جامعه محوری پلیس بر مشارکت اجتماعی عینی و رفتاری شهروندان نیز مورد تایید قرار می گیرد. بطوریکه این اثر با توجه به ضریب مسیر به دست آمده (۵/۲۰۳) که مثبت است، به صورت مثبت بوده و بر مبنای R<sup>۲</sup> حاصل شده، مقدار ۹۷/۶ درصد تغییرات بین



جامعه محوری پلیس و مشارکت اجتماعی عینی و رفتاری، حاصل تعدیل امنیت اجتماعی می باشد.

## آزمون کیفیت مدل

جدول ۶: نتایج آزمون کیفیت مدل

مقادیر جهت محاسبه GOF		متغیرهای مکنون
Communality	R Square	
۰/۷۷۷	۰/۰۰۰	پلیس جامعه محور
۰/۴۸۱	۰/۹۷۷	مشارکت اجتماعی ذهنی
۰/۵۹۰	۰/۹۷۶	مشارکت اجتماعی عینی و رفتاری
۰/۸۱۸	۰/۰۰۰	امنیت اجتماعی
۰/۶۶۶ = Communality ۰/۹۷۶ = R Square ۰/۸۰۶ = GOF		نتایج کلی برازش مدل

برای بررسی آزمون کیفیت مدل از شاخص نیکویی برازش (GOF) که توسط «تننهاوس»<sup>۱</sup> و همکارانش در سال ۲۰۰۵ به عنوان معیاری برای سنجش عملکرد کلی مدل پیشنهاد شده است، استفاده شد و تفسیر آن بر مبنای سه مقدار ۰/۰۱ (ضعیف)، ۰/۲۵ (متوسط) و بالاتر از ۰/۳۶ (قوی) انجام شد و همانطور که در جدول شماره ۶ مشاهده می شود شاخص GOF مدل پژوهش برابر با ۰/۸۰۶ به دست آمده است که از برازش و مطلوبیت قوی مدل حکایت دارد.

## نتیجه گیری

همانطور که نتایج به دست آمده از پژوهش نشان می دهد، جامعه محوری پلیس بر مشارکت اجتماعی شهروندان در دو بُعد ذهنی و عینی و رفتاری تاثیر معناداری دارد و این تاثیر، با در نظر گرفتن نقش تعدیل گر امنیت اجتماعی بیشتر می باشد. بین نتیجه به دست آمده با نتایج پژوهش های انجام شده توسط اعظم کریمایی و همکاران، ۱۳۸۹؛ شایگان، ۱۳۸۸؛ اسکوگان، ۲۰۰۶ که هر یک در مطالعات خود به نتایج مشابهی دست یافتند، همخوانی وجود دارد.

در تبیین یافته حاصل شده باید اظهار داشت که، اساسا رویکرد جامعه محوری پلیس، بنا به ماهیت و فلسفه ای که دارد، جلب مشارکت حداکثری عموم شهروندان در راستای حل مشکلات جامعه است. از آنجایی که مشارکت امری کاملا ارادی و داوطلبانه است، جلب آن در شهروندان یک جامعه، نیازمند همبستگی و تعامل قوی و مستمر نیروی پلیس با مردم در جهت اعتمادسازی و ترویج روحیه مشارکت در بین عموم مردم می باشد. پلیس، با توجه نمودن به عوامل روانی و اجتماعی می تواند بستر مناسبی را در جهت بالا بردن درصد مشارکت شهروندان ایجاد نماید. در این زمینه می توان به نظریه «انسجام اجتماعی» جامعه شناس بزرگ فرانسوی امیل دورکیم اشاره کرد که «همبستگی» را از نوع روابط عاطفی مثبت دانسته و از «حس همبستگی» نام می برد. وی در این نظریه، به نقش همبستگی اجتماعی در گسترش و تقویت ارتباطات اجتماعی اشاره کرده و بر این باور است که هر کجا همبستگی اجتماعی نیرومند باشد، عامل نیرومندی در نزدیک کردن افراد به هم و تشدید تماس های آنان و افزایش فرصت های ارتباط آنها با یکدیگر خواهد شد. به عبارت دیگر، هر چه افراد جامعه همبسته تر باشند، روابط گوناگون خود را با یکدیگر و یا در حالت دسته جمعی با گروه بیشتر حفظ می کنند (آبراهامز، ترجمه پویان، ۱۳۷۰). با توجه به این نظریه، از نظر محققان، در زمینه ارتباط پلیس با شهروندان جامعه و ترغیب آنها به مشارکت اجتماعی نیز به همین ترتیب می باشد و هر چقدر همبستگی بین این دو نیرو قوی تر باشد، احتمال مشارکت شهروندان نیز افزایش یافته و گرایش به بی نظمی، جرم و جنایت در جامعه کمتر اتفاق می افتد. با توجه به نقش تعدیل گر امنیت اجتماعی بر تاثیر جامعه محوری پلیس بر

1. Emile Durkheim  
2. Abrahams



مشارکت اجتماعی شهروندان نیز باید اظهار داشت که، در یک جامعه، بقا و تکامل امنیت اجتماعی نیازمند برقراری ارتباطات اجتماعی مناسب و ایجاد حس اعتماد در بین شهروندان جامعه است. محققان در پژوهش‌های بسیاری، امنیت اجتماعی را به عنوان عاملی تاثیرگذار بر روند مشارکت اجتماعی شهروندان عنوان نموده‌اند (انصاری و تاج‌الدین، ۱۳۹۴). در واقع، امنیت اجتماعی شاخصی است که افراد در ارتباط با یکدیگر آن را کسب می‌کنند و به نوعی در ذات، افراد را به سوی همکاری و تعاون و مشارکت فرا می‌خواند و می‌توان آن را از ریشه بر پایه مشارکت بنا کرد. ارتباط بین احساس امنیت اجتماعی و مشارکت مردمی یک ارتباطی دوسویه است. از یک طرف گسترش امنیت اجتماعی می‌تواند زمینه‌ساز توسعه مشارکت شهروندان باشد و از طرف دیگر، افزایش مشارکت شهروندان پشتوانه محکمی برای حاکمیت و بقای امنیت در جامعه باشد (هرسیچ و محموداوغلی، ۱۳۹۱). بنابراین، لزوم ایجاد امنیت اجتماعی در بین شهروندان ضروری است و به نظر محققان، استفاده از نظریه جامعه محوری پلیس که تاکید فراوانی بر خدمت رسانی به عموم شهروندان جامعه دارد، می‌تواند در شکل‌گیری امنیت اجتماعی تاثیر داشته و روند مشارکت شهروندان در فعالیت‌های مختلف اجتماعی را بهبود بخشد.

### پیشنهاد‌های پژوهش

۱. در جهت کاهش و یا از بین بردن شکاف دیرینه‌ای که به دلایل مختلفی همچون عدم آگاهی صحیح شهروندان از وظایف و نقش پلیس و در پاره‌ای موارد ترس واهی برخی از افراد، بین پلیس، مردم و نهادهای اجتماعی حاصل شده است، از رسانه‌های دیداری و شنیداری (مجازی و غیرمجازی) که امروزه تعداد کاربران علاقمند زیادی را به خود اختصاص داده است و سرعت بالایی در آموزش عمومی پیدا کرده‌اند، کمک گرفته شود.
۲. پلیس، جهت دستیابی به موفقیت و جلب رضایت شهروندان در افزایش مشارکت اجتماعی آنها، کیفیت خدمت‌رسانی به شهروندان را از طریق نظرسنجی عمومی ارتقاء دهد.
۳. بر روی شهروندان مناطقی از شهر که از نظر پایگاه اجتماعی و اقتصادی در سطح پایینی هستند، نظارت بیشتری صورت گیرد و آموزش‌هایی کارآمد در جهت فواید مشارکت آنها با پلیس به عنوان نهادی مردمی ارائه داده شود.

## Archive of SID

۴. نیروی انتظامی، از رسانه ملی (تلویزیون) که تعداد قابل ملاحظه‌ای مخاطب از هر طیفی را دارد؛ خواهان تدارک سریال‌های تلویزیونی با محوریت جامعه‌محوری پلیس گردد و از این طریق، وظایف و نقش پلیس را به عموم مردم بشناساند.
۵. نیروی انتظامی، با کمک گرفتن از نظام آموزشی به خصوص مدارس ابتدایی، دانش‌آموزان را به سمت همکاری با پلیس و مشارکت با وی در نظم بخشی به جامعه، سوق دهد.





● آبراهامز، جی.اچ (۱۳۷۰). مبانی و رشد جامعه‌شناسی. ترجمه حسن پویان.

تهران: چاپخش.

۲۱۳

● اسلامی، فاطمه؛ ملائیان، صدیقه (۱۳۹۳). تاثیرپذیری شهروندان ایرانی از فضای سایبر در گرایش به مشارکت‌های مردمی. تهران: مجموعه مقالات همایش ملی رسانه، ارتباطات و آموزش‌های شهروندی.

● اعظم کریمی، علی؛ مرادیان، محسن؛ عباسی، علی (۱۳۸۹). نقش نیروی انتظامی در تامین امنیت اجتماعی. فصلنامه دانش انتظامی، ۴۷، ۵۰-۷.

● انصاری، ابراهیم؛ تاج‌الدین، حمید (۱۳۹۴). بررسی عوامل اجتماعی موثر بر میزان مشارکت شهروندان در امور شهری (مطالعه موردی: منطقه ۱۳ شهر اصفهان). مطالعات جامعه‌شناختی شهری، ۴، ۱۲، ۱۷۸-۱۶۱.

● بوزان، باری (۱۳۸۳). مردم، دولت‌ها و هراس. ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبری. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبری.

● ترویانوویچ، رابرت و باکوروکس، بانی (۱۳۸۳). پلیس جامعه‌محور. ترجمه مرکز مطالعات و تحقیقات کاربردی و طرح و برنامه ناجا. تهران: فرات.

● جباری، حبیب (۱۳۸۷). مشارکت و توسعه اجتماعی. تهران: مجموعه مقالات همایش توسعه اجتماعی وزارت کشور.

● چلبی، مسعود، (۱۳۸۸). جامعه‌شناسی نظم. تهران: نی.

● دعاگویان، داود (۱۳۸۴). تعامل پلیس و مردم. تهران: معاونت آموزشی دانشگاه علوم انتظامی.

● راش، مایکل (۱۳۸۷). جامعه و سیاست. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: سمت.

● ربیعی، علی (۱۳۸۴). مطالعات امنیت ملی: مقدمه‌ای بر نظریه‌های ملی در جهان سوم. تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

● ریتزر، جورج، (۱۳۸۲)، نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی.

● سجادیان، ناهید؛ نعمتی، مرتضی؛ شجاعیان، علی؛ اورکی، پریوش (۱۳۹۴).

ارزیابی نقش طایفه‌گرایی در احساس امنیت اجتماعی (مطالعه موردی: شهر

ایذه). فصلنامه اطلاعات جغرافیایی بم، ۲۴، ۹۴، ۷۶-۵۹.

## Archive of SID

- شایگان، فریبا (۱۳۸۸). نقش سرمایه اجتماعی پلیس در جلب همکاری مردم در جهت برقراری نظم و امنیت. فصلنامه نظم و امنیت انتظامی، ۲، ۱، ۷۸-۵۹.
- شریفی، اصغر؛ اسلامیه، فاطمه (۱۳۹۰). شناسایی چالش‌های پیش روی شهروندان تهرانی جهت مشارکت در فعالیت‌های شهرداری و ارائه چارچوبی جهت رفع آنها. تهران: مجموعه مقالات همایش منطقه‌ای شهرداری به منزله نهاد اجتماعی.
- شریفی، اصغر؛ اسلامیه، فاطمه (۱۳۹۲). رسانه و احساس امنیت اجتماعی در خانواده‌های ایرانی. یزد: مجموعه مقالات همایش ملی خانواده و امنیت.
- صادقی، علیرضا (۱۳۸۹). نظارت همگانی و مشارکت شهروندان لازمه مدیریت شهری. خبرگزاری موج.
- صالحی‌امیری، سیدرضا؛ افشاری‌نادری، افسر (۱۳۹۰). مبانی نظری و راهبردی مدیریت ارتقای امنیت اجتماعی و فرهنگی در تهران. فصلنامه راهبرد، ۲۰، ۵۹، ۷۶-۴۹.
- عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۲). نظریه‌های امنیت: مقدمه‌ای بر طرح‌ریزی دکترین امنیت ملی (۱). تهران: موسسه فرهنگی
- طالع‌ات و تحقیقات ابرار معاصر تهران.
- عسکریان، مصطفی (۱۳۸۵). جایگاه فرهنگ‌های قومی در تربیت شهروند. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، ۵، ۱۷، ۱۰-۱.
- غفاری، غلامرضا (۱۳۸۰). تبیین عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر مشارکت اجتماعی، اقتصادی سازمان‌یافته روستاییان به عنوان مکانیزمی برای توسعه روستایی ایران، رساله دکتری، رشته جامعه‌شناسی توسعه، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- غفاری، غلامرضا (۱۳۹۰). سرمایه اجتماعی و امنیت انتظامی. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- قدرتی، حسین؛ سردارنیا، خلیل‌اله؛ ملتفت، حسین؛ برشد، عبدالمهدی (۱۳۸۸). احساس امنیت اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی و نهادهای نظم و قانون (مطالعه موردی شهر مشهد). فصلنامه انتظام اجتماعی، ۱، ۴، ۲۶-۷.
- کرامتی، مهدی؛ ملتفت، حسین (۱۳۸۶). مشارکت مردم در انجام وظایف ناجا. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات ناجا.

- گیدنز، آتونی (۱۳۸۷). مبانی جامعه شناسی. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نی.
- لشنی پارسا، روح الله (۱۳۸۷). رویکرد جامعه محوری پلیس: تضمین امنیت پایدار اجتماعی. دوماهنامه توسعه انسانی پلیس، ۵، ۲۱، ۷۸-۵۹. محسنی، منوچهر؛ جارااللهی، عذرا (۱۳۸۲). مشارکت اجتماعی در ایران. تهران: آرون.
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۳). بررسی مجامع مشورتی ائمه جماعات معتمدترین محل در مناطق شهر تهران. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران.
- منظمی تبار، جواد (۱۳۸۵). نقش مشارکت مردمی در تقویت امنیت اجتماعی. نشریه دانش انتظامی، ۲۹، ۳۳-۹.
- موسوی، میرطاهر (۱۳۸۵). مشارکت اجتماعی یکی از مولفه های سرمایه اجتماعی. فصلنامه رفاه اجتماعی، ۶، ۲۳، ۹۲-۶۷.
- میرساردو، طاهره؛ حسینی، سیدموسی (۱۳۸۹). بررسی نقش مشارکت های مردمی در پیشگیری از سرقت منزل. پژوهشنامه علوم اجتماعی، ۴، ۴، ۱۳۱-۱۱۱.
- میس، ادوین؛ اورتمایر، پی. جی (۱۳۸۵). رهبری، اصول اخلاقی و امور پلیس، چالشهای پیش روی پلیس در قرن ۲۱ ترجمه حسین شا کری. تهران: سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا.
- هرسیچ، حسین؛ محموداوغلی، رضا (۱۳۹۱). بررسی رابطه مشارکت سیاسی و احساس امنیت اجتماعی در بین شهروندان اصفهانی. پژوهش های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، ۱، ۲، ۲۰-۱.
- هس، کارن؛ میلر، لیندا (۱۳۸۲). پلیس در اجتماع، راهبردهایی برای قرن ۲۱. ترجمه رضا کلهر. تهران: انتظارات دانشگاه علوم انتظامی.
- یزدان پناه، لیلا (۱۳۸۶). موانع مشارکت اجتماعی شهروندان تهرانی. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، ۷، ۲۶، ۱۳۰-۱۰۵.
- Adams, R.E., Rohe, W.M., Arcury, T.A. (2005). Awareness of communityoriented policing and neighborhood perceptions in five small to midsize cities. Journal of Criminal Justice, 54-43, 33.
- Bryant, R. P. (2007). Examining the impact of community policing on crime in the United States. (Unpublished masters thesis). California

- Buzan, B., Hansen, L. (2007). International Security. Widening Security. SAGE Publications, London: New Delhi, Singapore.
- Farrall, S. Bannister, G . Dittong, J & Gilchrist, E.(2000). Social Psychology and the fear of crime: Re-examining a speculative model. The British Journal of Criminology, 29-23 ,3 ,40.
- Ferguson, K.M, & Mindelm C.H. (2011). Modeling fear of crime in Dallas neighborhoods: A test of social capital theory. Crime Delinquency.
- Filding, N, G (2005). Concepts & Theory in Community Policing . The Howard Journal, 123-117 ,5 ,44.
- Gingerich, T., Chu, D. (2006). A comparative perspective of community policing in taiwan and washington State. Asian Criminology, -119 1 135.
- Goetschel, Laurent (1999). Globalization and security: The challenge of Collective Action, Expertenkollegium der Evangelische Akademie Loccum, 34-25 ,10.
- Renauer, C. B. (2007). Reducing fear of crime: citizen, police, or government responsibility? Police Quarterly, 63-56 ,10 ,41.
- Rosenbaum, D (2005). Attitudes toward the police: the effects of direct and vicarious experience. Police, 1 ,1, I-III.
- Scheider, M.C., Rowell, T. & Bezdikian, V. (2006). The impact of citizen perceptions of community policing on fear of crime: Findings from twelve cities. Police Quarterly.
- Skogan, W.G. (2006). Police and community in Chicago: A tale of three cities (Studies in crime and public policy). Oxford: Oxford University Press.